

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

بدنام و بی قانونی در روزگار جنگ

کاری که بدون مجوز تولید کلید خورد، بدون مجوز انتشار عرضه شد و حتی پس از توقیف رسمی نیز با دورزدن مسیرهای قانونی، دوباره به چرخه پخش بازگشت.

۸



آیا ایران هدف جنگ نامرئی آب و هوایی است؟

رمز و راز بارندگی های پس از جنگ

۷



صفحه ۳

سیاسی

امید جریان سازش به اسلام آباد

مردم کف خیابان رسانه ندارند

۸



صفحه ۲

سیاسی

توقیف جواب محاصره

تثبیت رژیم حقوقی جدید هرزورسواپی دروغ های ترامپ علیه نیروی دریایی ایران با توقیف سه نفتکش متخلف توسط سپاه

صفحه ۴

اقتصادی

درآمد ۹۱۰ میلیون دلاری ایران در زمان محاصره

تمدید آتش بس یا بازطراحی میدان تقابل؟

امیر شهشهانی
روزنامه نگار

اولین پیام این عقب نشینی، فروپاشی یک سناریوی کلاسیک است؛ سناریویی که برپایه فشار، ارباب و کشاندن طرف مقابل به میز مذاکره در موقعیت ضعف بنا شده بود. امتناع یکپارچه مسئولان نظام از حضور در اسلام آباد، اعلام این واقعیت بود که «دیپلماسی در سایه تهدید» اساساً بی معناست. ترامپ، که به تشدید تنش برای کسب امتیاز عادت دارد، این بار دایواری از انسجام مواجهه شد و ناچار، گام به عقب گذاشت.

متن کامل در صفحه ۷

تثبیت رژیم حقوقی جدید هرمز و رسوایی دروغ‌های ترامپ علیه نیروی دریایی ایران با توقیف سه نفتکش متخلف توسط سپاه

توقیف جواب محاصره

اقدامی که تأییدی دیگر بر تثبیت شکل‌گیری نظم حقوقی جدید در تنگه هرمز و بی‌اعتباری ادعاهای کذب سنتکام و ترامپ در خصوص نابودی نیروی دریایی ایران است.

یک روز پس از اعلام تمدید آتش‌بس نمایشی ترامپ و در شرایط تداوم محاصره دریایی آمریکا، نیروی دریایی سپاه پاسداران اعلام کرد دو شناور متخلف که قصد خروج مخفیانه از تنگه هرمز را داشتند توقیف کرد.



امیرحسین درکی

روزنامه نگار

وزیر دفاع که گفته بودند نیروی هوایی ایران «از بین رفته» و نیروی دریایی «در قعر دریا» است، در تضاد است». براساس این ارزیابی که به تازگی به قانون‌گذاران آمریکایی ارائه شده، ایران هزاران موشک بالستیک و پهپادهای انتحاری در اختیار دارد که می‌توانند نیروهای آمریکایی و متحدان آن در منطقه را تهدید کنند. پنتاگون در ارزیابی خود برای نمایندگان آمریکایی گفته است که حتی پس از حملات سنگین به اهداف نظامی ایران، اما «بخش قابل توجهی از این قابلیت‌ها باقی‌مانده است».

ان‌بی‌سی نیوز در بخش دیگری از گزارش خود آورده است: «وزیر دفاع آمریکا، پیت هگست، پیش‌تر اعلام کرده بود که ارتش ایران تا حد زیادی شکست خورده و عملیات نظامی ایالات متحده آن را برای سال‌ها ناکارآمد کرده است. با این حال، ارزیابی آژانس اطلاعات پنتاگون با این اظهارات عمومی در تضاد است و نشان می‌دهد که ایران هنوز حدود نیمی از پرتابگرهای موشکی خود را حفظ کرده، انبارهای متعددی از موشک‌ها در زیر زمین سالم مانده‌اند و توانایی پرتاب موشک به سمت کشتی‌های عبوری در آبراه‌های منطقه‌ای را دارد».

بود: «کنترل تنگه هرمز به حالت قبل برگشته است و تحت مدیریت و کنترل شدید نیروهای مسلح قرار دارد» انسداد مجدد تنگه هرمز پس از بدعهدی آمریکایی‌ها و اعلام قرارگاه خاتم‌الانبیا حاکی از فصل نوینی از حکمرانی ایران بر تنگه هرمز بود و توقیف دو کشتی دشمن متخاصم در روز گذشته توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نیز شاهدهی دیگر از این واقعیت حقوقی جدید تنگه هرمز است. توقیف دو کشتی متخاصم آن‌هم بعد از اعلام تمدید آتش‌بس دشمن نشان داد شکل‌گیری نظم نوین در رژیم حقوقی هرمز و حاکمیت ایران بر این آبراهه استراتژیک به مرحله تازه‌ای رسیده است. اعمال اقتدار نیروی دریایی سپاه پاسداران در تنگه هرمز و حکمرانی مطلق بر این آبراهه در حالی صورت می‌پذیرد که سنتکام و دونالد ترامپ بارها مدعی نابودی نیروی دریایی ایران شده بودند.

در همین راستا شبکه NBC آمریکا در گزارشی نوشت: ارزیابی آژانس اطلاعاتی پنتاگون می‌گوید ایران هنوز قابلیت‌های نظامی قابل توجهی دارد. این شبکه در گزارش خود آورده است: «اطلاعات پنتاگون با اعلامیه‌های عمومی دونالد ترامپ و پیت هگزت

صبح روز گذشته نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «در راستای کنترل هوشمند تنگه هرمز امروز صبح دو فروند کشتی متخلف به نام‌های «MSC – FRANCESCA» متعلق به رژیم صهیونیستی و شناور متخلف «EPAMINODES» که بدون مجوز و با انجام تخلف‌های مکرر و دست‌کاری در سامانه‌های کمک ناوبری و به مخاطره انداختن امنیت دریانوردی قصد خروج مخفیانه از تنگه هرمز را داشتند با اشراف اطلاعاتی رزمندگان این نیرو شناسایی و در راستای احقاق حقوق ملت شریف ایران در تنگه هرمز متوقف نمود». همچنین در ادامه این اطلاعیه آمده است: «این شناورها به منظور بررسی محموله و اسناد و مدارک به آب‌های سرزمینی جمهوری اسلامی ایران منتقل گردید.»

پیش از این نیز در جریان آتش‌بس موسوم به ۱۴ روزه پس از ادامه محاصره دریایی ایران توسط ارتش تروریستی آمریکا، سخنگوی قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا (ص) اعلام کرده

خبر کوتاه

پیام تسلیت رهبر انقلاب به آیت‌الله نوری همدانی

آیت‌اللهید مجتبی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب در پیامی به مرجع عالی‌قدر، آیت‌الله‌نوری همدانی درگذشت آیت‌الله سید حسین موسوی تبریزی داماد ایشان را تسلیت گفتند.

قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا: آماده هجوم به اهداف از پیش تعیین شده هستیم

سخنگوی قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا: با توجه به تهدیدهای مکرر رئیس‌جمهور آمریکا و فرماندهان ارتش متجاوز و تروریست آن کشور، هشدار می‌دهیم: نیروهای توانمند و مقتدر ما از مدت‌ها قبل در آمادگی صددرصدی و دست‌بر‌ماشه هستند، تا در صورت تجاوز و هرگونه اقدام علیه ایران اسلامی بلافاصله به اهداف از پیش تعیین شده، قدرتمندانه هجوم نموده و به آمریکای متجاوز و رژیم کودک‌کش صهیونیستی شدیدتر از قبل درس عبرت دیگری را خواهند داد.

سپاه: زیرساخت‌های نظامی دشمن در منطقه نابود شدند

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای اعلام کرد: به توفیق الهی و با ابتکار عمل نیروهای مسلح مقتدر کشور به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عمده زیرساخت‌های نظامی دشمن صهیونی و آمریکایی در منطقه دچار ضربه سخت و فروپاشی شده‌اند. سپاه پاسداران در اوج آمادگی و اراده تداوم نبرد با دشمنان مهیای مقابله قاطع، قطعی و آنی با هرگونه تهدید و تکرار تجاوز دوباره دشمنان است و در دور جدید نبرد نظامی محتمل ضربات خردکننده و فراتر از تصور دشمن را بر باقیمانده دارایی‌های آنان در منطقه وارد خواهد ساخت.

روایت نبویان از خطای راهبردی هیأت ایرانی در اسلام‌آباد

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفت‌وگویی گفت: در مذاکرات پاکستان یک خطای راهبردی داشتیم ما نباید موضوع هسته‌ای را به مذاکره می‌گذاشتیم با این کار دشمن جری‌تر شد لذا از ما مطالبه کرد و گفت مواد ۶۰ درصد را باید خارج بکنید و ۲۰ سال باید جلوی آن را بگیرید و حرف‌های مزخرف دیگر که البته نپذیرفتیم و همه این‌ها برای این بود که ما اجازه دادیم این موضوع طرح شود.

قاضی‌زاده هاشمی: پاکستان کشور خوبی برای میانجی‌گری نیست

معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم در صفحه شخصی خود نوشت: پاکستان به لحاظ مالی به عربستان سعودی وابسته است و همچنین نفوذ گسترده آمریکا در سرویس امنیتی و ارتش پاکستان وجود دارد. وی افزود: حضور سرویس امنیتی و مالی امارات در منطقه بلوچستان پاکستان و حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب، موجب می‌شود که پاکستان محیط مناسبی برای مذاکره نباشد. قاضی‌زاده در ادامه افزود: این‌سطح از مذاکره، سطح قدرت‌های جهانی است و موضوع توانایی آن‌ها برای به نتیجه رساندن مذاکرات و حفاظت از قراردادهای انجام‌شده خواهد بود. مانند کاری که چین بین ایران و عربستان در دوره شهید رئیسی انجام داد و پاکستان توانایی حفظ قرارداد را ندارد.

جاسوس رژیم صهیونیستی اعدام شد

مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرد: «مهدی فرید» جاسوس رژیم صهیونیستی که اطلاعات حساس کشور را در اختیار مוסاد قرار می‌داد اعدام شد. نامبرده مسئول بخش مدیریت کمیته پدافند غیرعامل یکی از سازمان‌های حساس کشور بود که از طریق فضای مجازی با سرویس تروریستی جاسوسی رژیم صهیونیستی ارتباط برقرار کرده و با توجه به دسترسی‌هایی که داشته خیلی زود مورد تأیید افسر مוסاد قرار گرفت.

سیاسی

تیررس جدید هوافضای سپاه؛ هر جا که ملت ایران اراده کند

سردار سید مجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پیامی با ارسال پیام نوید پیروزی‌های بیشتر در آینده به ملت ایران، کشورهای منطقه را شدیداً تهدید کرده و گفت: به آنان که در جنوب منطقه، جغرافیا، پایگاه‌ها و امکانات خود را در خدمت آمریکا و دشمنان این ملت قرار می‌دهند، هشدار می‌دهیم: اگر از سرزمین و ظرفیت‌های شما برای تعرض به ایران استفاده شود، باید با امنیت انرژی و تولید نفت در منطقه خاورمیانه وداع کنید. در بخش‌هایی از این پیام خطاب به ملت ایران آمده است: فرزندان شما در نیروی هوافضای سپاه در دوران سکوت نظامی نیز با چشمانی بیدار، دستانی بر ماشه و عزمی استوار، آماده دفاع از این سرزمین کهن و این تمدن پرافتخار چند هزار ساله باقی‌ماندند. ما با ملت ایران بیعت می‌کنیم که اگر فردای آتش‌بس، دشمن دست از پا خطا کند و تعرضی به خاک مقدس ایران اسلامی صورت گیرد، پاسخ این ملت و فرزندان مسلحش، پاسخی متفاوت، قاطع و پشیمان‌کننده خواهد بود. این بار، هر جا که ملت ایران اراده کند، در تیررس ما خواهد بود. و به آنان که در جنوب منطقه، جغرافیا، پایگاه‌ها و امکانات خود را در خدمت آمریکا و دشمنان این ملت قرار می‌دهند، هشدار می‌دهیم: اگر از سرزمین و ظرفیت‌های شما برای تعرض به ایران استفاده شود، باید با امنیت انرژی و تولید نفت در منطقه خاورمیانه وداع کنید.



سخنگوی دشمن



روز گذشته عبدالحمید اسماعیل زهی مدعی شد: «آسمان کشور در تسخیر دشمن است، زیرساخت‌ها در معرض نابودی قرار دارند و نیروهای مسلح ابزار لازم برای دفاع هوایی ندارند». عبدالحمید در بخشی دیگر از اظهارات خود وضعیت موجود را «بن‌بست» خواند و ادعا کرد: «تنها راه نجات توافق عادلانه است». این اظهارات در حالی مطرح شد که در روزهای نخست جنگ تحمیلی، عبدالحمید در خصوص محکومیت حملات جنایت‌کارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی، ترور مقامات، قتل عام دانش‌آموزان دبستان دخترانه میناب و شهروندان کشور، سکوت پیشه کرده بود. باتوجه به رهگیری‌های موفق پدافندهایی کشورمان در شکار جنگنده‌های متجاوز آمریکایی و شکست خفت‌بار ارتش آمریکا در اصفهان، ادعای تسخیر آسمان کشور توسط دشمن نه تنها مضحک بلکه رپرژا برای دشمن صهیونیستی است.

او همچنین در هفته‌های اخیر به نفع جبهه آمریکایی – صهیونیستی موضعی اتخاذ کرد. از جمله در اظهاراتی در نماز جمعه زاهدان اظهار داشت: «اگر از کشورهای همسایه به کشور ما حمله شد ما باید سکوت کنیم و پاسخ ندهیم؛ چون این کار برای ما خیرورکت دارد!» وی همچنین در حمایت از جواسیس موساد و عناصر خائن به کشور مدعی شده بود: «اعدام و مصادره اموال مخالفان سبب نارضایتی خدا و مردم می‌شود» بیان این سخنان ساختارشکنانه و دشمن‌پسند نباید از سوی دستگاه‌های مسئول بی‌پاسخ بماند.

با افزایش انتقادات از راهبرد مذاکره، جبهه اصلاحات

((قرارگرفتن تمامی دارایی‌ها در خدمت دیپلماسی)) را خواستار شد

امید جریان سازش به اسلام‌آباد

مذاکرات اسلام‌آباد میان ایران و آمریکا گذشته از تمامی حواشی و مقدمات و نتایج آن، یک دنباله داخلی نیز به دنبال داشت و آن احیای جبهه اصلاحات و فعال‌شدن آن در حمایت از اصل مذاکره با آمریکا بوده است. جریانی که سازش برابر آمریکا، یکی از رئوس هویتی و از جمله نظامات فکری آن طی چند دهه اخیر بوده و بر همین مبنا خسارات سنگینی را از جمله در فقره مذاکرات منتهی به برجام بر کشور تحمیل کرد.

جعفر کاظمی

روزنامه نگار

آمریکا جزئی لاینفک از زیست‌بوم سیاسی اصلاح‌طلبان و عامل قدرت‌گرفتن آن‌ها در برهه‌هایی چون انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ بوده است؛ از این جهت منطقی است که با کم‌اعتبار شدن گزینه مذاکره با آمریکا در جامعه، این جبهه احساس خطر کرده و در حمایت از مذاکرات تقریباً شکست‌خورده اسلام‌آباد قمار کند. علاوه بر جبهه اصلاحات، حزب اصلاح‌طلب توسعه ملی ایران نیز در بیانیه‌ای، «مذاکرات جامع باهدف حل‌وفصل مشکلات با

امریکا» را خواستار شده و خطاب به هیئت مذاکره‌کننده ایران نوشته است: «اکنون که دشمن آمادگی خود را برای پایان بخشیدن به این تجاوز اعلام داشته است، نباید بی‌اعتمادی موجود ناشی از بدعهدی‌های گذشته آمریکا مانع استفاده از این فرصت برای تثبیت دستاوردهای این مقاومت میهنی از طریق دیپلماسی شود».

ازسوی دیگر و به موازات خط حمایت از مذاکره با آمریکا، اصلاح‌طلبان پویش حمایت از قالیباف را نیز راه انداخته‌اند. حمایت‌ها و تعاریف نامتعارف از رئیس‌مجلس شورای اسلامی و به این بهانه، زدن منتقدان فرایند مذاکره با آمریکا، خطی است که طی روزهای گذشته اصلاح‌طلبان آن را دنبال کردند.

محمد قوچانی رئیس کمیته سیاسی حزب کارگزاران سازندگی به عنوان یکی از احزاب اصلی جبهه اصلاحات اخیراً طی یادداشت، تعبیری پرطمطراق برای قالیباف بکار برده و ضمن مقایسه او با خواجه نظام و خواجه نصیر طوسی نوشته بود: «اکنون با شهادت



سرداران و دیپلمات‌ها، نقش قالیباف، تاریخی است و تاریخ درباره آن داوری خواهد کرد. رسیدن به نقطه تعادل میان مقاومت و دیپلماسی کار حساسی است که می‌تواند همه ناکامی‌های انتخاباتی گذشته را جبران کند. معتمد، ملت ایران دست‌کسی که صلحی شرافتمندانه را مهیا کند، به گرمی خواهد فشرد و در همین میدان‌های شهر براو درود خواهد فرستاد؛ حتی اگر به او رأی ندهند. چنین سیاست‌مداری وارد تاریخ خواهد شد.» علی‌ریبعی چهره شاخص اصلاحات که هم در دولت روحانی و هم در دولت پزشکیان مسئولیت‌های کلان داشته و دارد، یادداشتی در ستایش از قالیباف با عنوان «حمایت ملی از قالیباف در مسیر اجرای یک نقش تاریخی» نوشت و در مدعی شد: «قالیباف امروز تنها یک نماینده در مذاکرات نیست؛ او نماینده کشور و نظام است... امیدوارم مدیریت دیپلماتیک آقای محمدباقر قالیباف، زمین‌بازی‌های جدیدی تعریف و بن‌بست شکنی کند.»

پل احیای گفت‌وگو سازش

در فضای سیاسی امروز ایران، از اصلاحات و اصلاح‌طلبان تنها و عملاً نامی باقی‌مانده و می‌توان این طیف را در کنار دیگر گروه‌های سیاسی ورشکسته چون نهضت آزادی نشانند. آن‌گونه که از بیانیه‌های اخیر احزاب اصلاح‌طلب برداشت می‌شود، این جریان، مذاکرات با آمریکا را پلی برای احیای گفت‌وگو سازش و بازگشت خود به عرصه رسمی قدرت تصور می‌کند.

یادداشت

تبیین قرآنی مراقبت از ورودی‌های ذهن

محمدحسین گواهی
دبیر نهضت سواد رسانه‌ای تهران بزرگ

مقام معظم رهبری (حفظ‌الله) در بیانی دقیق، گوش را «پنجره مغزو قلب» معرفی می‌کنند. این تعبیر، فراتر از یک استعاره ساده، تبیین‌گر یک واقعیت راهبردی در مدیریت روح و اندیشه است. از منظر قرآن کریم و سیره امامین انقلاب، گوش نه یک اندام حسی، بلکه گذرگاه اصلی شکل‌گیری هویت انسان است.

۱. راهبرد قرآنی: از «تبیین» تا صیانت از قلب!

قرآن کریم در سوره مبارکه حجرات (آیه ۶) بر اصل حیاتی «تَبَيِّنْ» تأکید می‌ورزد. این فرمان، تنها یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه یک «دکترین دفاعی» در برابر جنگ نرم است. وقتی قرآن هشدار می‌دهد که خبر فاسق را بدون تحقیق نپذیرید، به پیامد تکوینی آن اشاره دارد: پذیرش بی‌ضابطه خبر، منجر به «جهالت» و سپس «ندامت» می‌شود. در سوره بقره نیز به حقیقتی هولناک اشاره شده است: «حَتَّمُ اللَّهُ عَلَی قُلُوبِهِمْ». این مهر خوردن بر قلب، نتیجه تصادفی نیست؛ بلکه پیامد مستقیم لجابت در برابر حق و انس گرفتن با باطل است. کسی که گوش خود را به «اغیار» می‌سپارد، در واقع اجازه می‌دهد دشمن نقشه ذهنی او را ترسیم کند.

۲ تحلیل مصداقی: رسانه‌های معاند و مکانیسم «فشل‌شدگی ذهنی»

تجربه فتنه و جنگ‌های شناختی سال‌های اخیر، به‌ویژه نقش رسانه‌هایی نظیر «ایران اینترنشنال»، مؤید یک واقعیت علمی و قرآنی است: رسانه‌های تحت حمایت دشمن، به دنبال «اقتناع» نیستند، بلکه به دنبال «تغییر ساختار باور» هستند. آن‌ها با تکرار روایت‌های قطعی شده و آمیختن حق و باطل، به تدریج حساسیت قلب را نسبت به حقیقت از بین می‌برند.

مرحله اول: بمباران حسی؛ ایجاد اضطراب و خشم دائم برای ازکارانداختن قوه عاقله.

مرحله دوم: انسداد شناختی؛ فردی که مدام تحت تأثیر این رسانه‌هاست، به مرحله‌ای می‌رسد که قلبش نسبت به کلام حق «مهر» می‌خورد. در این وضعیت، حتی اگر مستندترین مدارک و صدفانه‌ترین سخنان به او ارائه شود، به دلیل آنکه «مرجعیت فکری» خود را به دشمن سپرده، توان پذیرش حق را نخواهد داشت.

۳. چرا گوش دادن به دشمن «بی‌هزینه» نیست؟

بسیاری تصور می‌کنند صرفاً «شنیدن» بدون باورکردن، آسیبی ندارد. اما نگاه قرآنی و رهنمودهای رهبری براین اصل استوار است که هم‌نشینی با باطل، اثر وضعی دارد. وقتی پنجره گوش به‌سوی سموم رسانه‌ای باز باشد، قلب به تدریج سخت (قساوت قلب) شده و از درک لطافت حقیقت باز می‌ماند. مشاهده شده است که در معرکه‌های سیاسی و اجتماعی، افرادی که ورودی‌های ذهن خود را قرنطینه نکرده بودند، دچار نوعی «فلج تحلیلی» شدند. آن‌ها نه به‌خاطر نبود دلیل، بلکه به‌خاطر اشغال فضای قلب توسط روایت‌های باطل، توان همراهی با جبهه حق را از دست دادند.

در پایان

مراقبت از گوش، نخستین گام در جهاد تبیین و حفظ اقتدار ملی است. اگر می‌خواهیم در عصر فتنه‌های پیچیده، «قلبی سلیم» و «ذهنی روشن» داشته باشیم، باید طبق فرمان الهی، نگهبان ورودی‌های ذهن خود باشیم. راهبرد ما همان راهبرد ولایت است: بستن پنجره به روی وسوسه‌های خناسان، برای باز ماندن دریچه‌های هدایت الهی.

عدد خبر

۲۰

هزار پرواز

بر اساس گزارش اسکای نیوز، شرکت هواپیمایی لوفت هانزا به دلیل بحران سوخت ناشی از جنگ ایران اعلام کرد که ۲۰ هزار پرواز کوتاه مدت خود را تا پایان ماه اکتبر لغو خواهد کرد. این تصمیم در پی افزایش دوبرابری هزینه های سوخت جت از زمان آغاز درگیری ها اتخاذ شده است. هدف لوفت هانزا از این تغییرات، دستیابی به صرفه جویی بیش از ۴۰ هزار تن سوخت جت اعلام شده است. این اقدام همچنین در راستای تصمیم هفته گذشته این شرکت برای بازنشستگی زود هنگام ناوگان ۲۷ فروندی شرکت تابعه CityLine به منظور کاهش هزینه ها صورت می گیرد. این وضعیت نشان دهنده تأثیرات گسترده جنگ بر صنعت هوانوردی و چالش های پیش روی شرکت های هواپیمایی در مدیریت هزینه ها است.

عدد خبر

۶

درصد

الجزیره نوشت: صندوق بین المللی پول معتقد است که اگر میانگین قیمت نفت در سال ۲۰۲۶ به حدود ۱۱۰ دلار در هر بشکه برسد و در صورت طولانی شدن جنگ در سال ۲۰۲۷ به ۱۲۵ دلار در هر بشکه افزایش یابد، اقتصاد جهانی می تواند با «بدترین سناریوی ممکن» روبه رو شود؛ زیرا رشد اقتصادی ۲ درصد کاهش و نرخ تورم به حدود ۶ درصد افزایش خواهد یافت. اکثر اقتصادهای بزرگ آسیایی، مانند هند و ژاپن، به شدت به واردات نفت و گاز از خلیج فارس متکی هستند و بنابراین اختلال بیشتر در عرضه از خلیج فارس، آنها را به سمت یافتن جایگزین هایی سوق خواهد داد که این امر فشار بر بازارهای جهانی انرژی را افزایش خواهد داد.

عدد خبر

۵۰۰

هزار تومان

رئیس هیئت مدیره اتحادیه مرغداران میهن، قیمت کنونی هر کیلو تخم مرغ درب مرغداری ۲۲۰ هزار تومان است، هرچند پیشنهاد ما به وزارت جهاد کشاورزی این بوده که ماهانه قیمت های ارشادی بر مبنای هزینه های تولید تعیین شود. کاشانی افزود: براساس آنالیز هزینه های تولید ابتدای فروردین، قیمت ۲۵۲ هزار تومان را پیشنهاد دادیم که ۲۰ درصد آن بر مبنای قانون هزینه خرده فروشی است. امیدواریم وزارت جهاد کشاورزی این قیمت را قبول کند تا تولیدکننده از زیان خارج شود. وی ادامه داد: بعد از گذشت ۳ تا ۴ ماه از زیان سنگینی که مرغداران متحمل شدند، عرضه با قیمت تمام شده موجب شده تا تولیدکننده بتواند تولید را حفظ کند. او قیمت هر شانه تخم مرغ ۲ کیلویی را ۴۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان، معادل هر عدد ۱۷ هزار تومان برای مصرف کننده اعلام کرد.

عدد خبر

۶۲

درصد

بر اساس گزارش بی بی سی، در پی تنش ها در تنگه هرمز و بالا رفتن قیمت سوخت، سرقت بنزین در بریتانیا نسبت به سال گذشته ۶۲ درصد افزایش یافته و محیط کار برای فروشندگان بنزین به دلیل افزایش توهین ها نامن تر شده است. اطلاعات شرکت «پی مای فیول» که جبران خسارت های ناشی از دزدی سوخت را بر عهده دارد، نشان می دهد که در پی جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران، فروشندگان سوخت در سراسر بریتانیا با افزایش موارد آزار و توهین نیز روبه رو بوده اند. جاش، خرده فروش بنزین که صاحب پنج گازر از جنوب انگلستان است، گفت: اکنون در هر یک از گازهاش هفتای حدود پنج مورد رخ می دهد که مشتریان بدون پرداخت پول، پمپ بنزین را ترک می کنند.

گزارش کوتاه

جهش خرده فروشی در آمریکا زیر سایه نفت

داده های تازه از اقتصاد آمریکا نشان می دهد فروش خرده فروشی در مارس ۲۰۲۶ با جهشی قابل توجه، ۱.۷ درصد نسبت به ماه قبل افزایش یافته است؛ رقمی که نه تنها از پیش بینی ها فراتر رفته، بلکه به عنوان سریع ترین رشد در یک سال اخیر نیز ثبت شده که عمدتاً ناشی از افزایش بی سابقه ۱۵.۵ درصدی در درآمدهای پمپ بنزین است که به دلیل افزایش قیمت سوخت در پی تشدید درگیری با ایران رخ داده است. این در حالی است که میانگین رشد ماهانه خرده فروشی آمریکا از سال ۱۹۹۲ تاکنون تنها حدود ۰.۳۹ درصد بوده و همین موضوع، برجسته بودن رشد اخیر را دوچندان می کند. اما پرسش کلیدی اینجاست که آیا این جهش نشانه ای از قدرت واقعی اقتصاد آمریکاست یا صرفاً بازتابی از عوامل موقتی و توری؟

بررسی داده ها نشان می دهد بخش مهمی از این افزایش، نه از رشد واقعی مصرف، بلکه از جهش قیمت انرژی ناشی شده است. درآمد جایگاه های سوخت با افزایش بی سابقه ۱۵.۵ درصدی مواجه شده؛ افزایشی که به دنبال رشد قیمت بنزین در پی تشدید جنگ با ایران رخ داده است. به بیان ساده، آمریکایی ها لزوماً بنزین بیشتری مصرف نکرده اند، بلکه هزینه بیشتری برای همان میزان مصرف پرداخت کرده اند. این تفاوت میان «رشد اسمی» و «رشد واقعی» نکته ای کلیدی در تحلیل این داده هاست.

در همین راستا، شاخص «خرده فروشی هسته» که اقلام نوسانی مانند انرژی را حذف می کند نیز ۰.۷ درصد رشد داشته؛ رقمی که به مراتب بالاتر از پیش بینی ۰.۲ درصدی است. این داده از آن جهت اهمیت دارد که تصویری شفاف تر از وضعیت واقعی تقاضا ارائه می دهد و نشان می دهد مصرف کننده آمریکایی، دست کم در کوتاه مدت، همچنان مقاوم باقی مانده است. با این حال، نشانه هایی از احتیاط نیز در رفتار مصرف کنندگان دیده می شود. رشد بسیار محدود ۰.۱ درصدی در بخش رستوران ها و بارها، که به عنوان شاخصی از هزینه های اختیاری در نظر گرفته می شود، می تواند حاکی از آغاز نوعی تعدیل در الگوی مصرف باشد؛ جایی که خانوارها در مواجهه با افزایش هزینه ها، مخارج غیر ضروری را محدودتر می کنند.

داده های اخیر تصویری دوگانه از اقتصاد آمریکا ترسیم می کند: از یک سو، مصرف کننده همچنان فعال و اقتصاد در برابر شوک ها مقاوم به نظر می رسد؛ و از سوی دیگر، بخشی از این رشد بر پایه افزایش قیمت انرژی و محرک های موقتی شکل گرفته است. تداوم این روند، بیش از هر چیز به مسیر قیمت نفت، تحولات ژئوپلیتیک و پایداری درآمد واقعی خانوارها وابسته خواهد بود.



محسن نظری

روزنامه نگار



نفتکش های ایرانی محاصره را دور می زنند

فایننشال تایمز در گزارشی با عنوان «نفتکش های ایرانی محاصره آمریکا را دور می زنند» نوشت: بر اساس آمارهای جدید، دست کم ۳۴ نفتکش مرتبط با ایران از زمان آغاز محاصره آمریکا آن را دور زده اند. با اینکه دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، این محاصره را «موقیتی فوق العاده» خوانده است، اما این نفتکش ها شامل چندین کشتی حامل نفت ایران هستند.

بر اساس آمار شرکت رهیابی محموله های دریایی «ورنکسا»، از زمان آغاز محاصره دریایی ایران توسط آمریکا، ده ها فروند کشتی موفق شده اند این محاصره را دور بزنند. همچنین ۱۹ نفتکش مرتبط با ایران از محاصره عبور کرده و خلیج فارس را ترک کرده اند. افزون بر این، حدود ۱۵ نفتکش نیز با ورود به خلیج فارس، از دریای عرب به سمت ایران در حرکت بوده اند. از میان نفتکش های خارج شده، حداقل شش فروند حامل محموله های نفت خام ایران به میزان ۱۰.۷ میلیون بشکه تأیید شده است. ارزش این محموله ها نیز حدود ۹۱۰ میلیون دلار برآورد می شود.

در این میان، خروج عملیاتی ۶ فروند نفتکش با ظرفیت جمعی ۱۰.۷ میلیون بشکه، نقطه تمرکز این گزارش است. ارزش بازار این محموله ها بالغ بر ۹۱۰ میلیون دلار برآورد شده که با احتساب قیمت میانگین ۸۵ دلار به ازای هر بشکه، نشان دهنده پایداری توان رقابتی

ایران در بازارهای غیر رسمی است. بخش عمده این ترانزیت انرژی، با سهم تقریبی ۹۰ درصد، به سمت پالایشگاه های مستقل در شرق آسیا هدایت شده که بیانگر ثبات در زنجیره تقاضای خاکستری است.

به گزارش بلومبرگ و وال استریت ژورنال، داده های ردیابی ماهواره ای و اطلاعات شرکت های هوشمندی انرژی نشان می دهد که بیش از ۲۴ تا ۲۶ فروند شناور حامل نفت و گاز ایران خطوط محاصره آمریکا را دور زده و موفق به خروج یا ورود به آب های ایران شده اند. وال استریت ژورنال به نقل از داده های شرکت معتبر «لویدز لیست اینتلیجنس» و واسطه های حمل و نقل نوشته است که از زمان آغاز محاصره دریایی آمریکا در تاریخ ۱۳ آوریل (۲۴ فروردین)، دست کم ۲۶ کشتی حامل محموله های نفتی و گازی وارد یا خارج از بنادر ایران شده اند. این در حالی است که فرماندهی مرکزی آمریکا ادعا کرده بود ۲۳ کشتی را مجبور به بازگشت کرده است.

بلومبرگ گزارش داد که دو نفتکش گول پیکر ایرانی به نام های «هیرو ۲» و «هیدی» در تاریخ ۲۰ آوریل (۳۱ فروردین) در تصاویر ماهواره ای هنگام عبور از تنگه هرمز به سمت دریای عرب رصد شده اند. این دو کشتی در مجموع تا چهار میلیون بشکه نفت خام حمل می کردند. به گفته ورنکسا، این محموله ها بخشی از یک عملیات گسترده تر بوده که در مجموع حدود ۹ میلیون بشکه نفت ایران را به بازارهای جهانی رسانده است.

هر دو رسانه غربی تأکید کرده اند که راز موفقیت این نفتکش ها استفاده از تاکتیک خاموش کردن دستگاه های موقعیت یاب (جی پی اس) در حین عبور از مناطق حساس

گزارش رسانه های غربی نشان می دهد:

درآمد ۹۱۰ میلیون دلاری ایران در زمان محاصره

مقامات آمریکایی مدعی توقف کامل تردهای دریایی به ایران و از ایران شده اند، اما گزارش های جدید رسانه های غربی نشان می دهد که نفتکش ها و شناورهای مرتبط با ایران طی روزهای اخیر موفق شده اند با استفاده از روش های پیچیده اختفا از تنگه هرمز عبور کرده و حصار دریایی آمریکا را بشکنند.

بوده است. به نوشته بلومبرگ، نفتکش «هیرو ۲» بیش از یک ماه بود که هیچ سیگنالی از خود ارسال نکرده و آخرین بار در تنگه ملکا دیده شده بود. نفتکش «هیدی» نیز از فوریه گذشته «بهمن-اسفند» دیگر در سامانه های ردیابی ظاهر نشده بود. وال استریت ژورنال نیز به نمونه دیگری اشاره کرد و نوشت: یک کشتی باری به نام «بازل» که متعلق به یک شرکت یونانی است اما ارتباطات پنهانی با ایران دارد، در ۱۵ آوریل از بندر امام خمینی حرکت کرد و در ۱۹ آوریل از خط حصار آمریکا عبور کرد. این خبر توسط واسطه های کشتیرانی در آتن و داده های «لویدز لیست» تأیید شده است.

اسکات بسنت، وزیر خزانه داری آمریکا، در تازه ترین اظهارات خود از تداوم «خشم اقتصادی» علیه ایران خبر داد و هشدار داد که تأسیسات ذخیره سازی نفت در جزیره خارک طی روزهای آینده پر خواهد شد و چاه های نفت ایران تعطیل می شوند. وی مدعی است ایران فقط چند روز فرصت دارد و پس از پر شدن مخازن، تولید نفت متوقف خواهد شد. این اظهارات در حالی مطرح می شود که ایران تجربه کاهش شدید و طولانی مدت فروش نفت در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ را داشته و به خوبی توان مدیریت فنی این شرایط را داراست. تحلیل داده ها نشان می دهد که علی رغم فشارهای ساختاری بر «ناوگان سایه» که تخمین زده می شود شامل بیش از ۲۰۰ شناور اختصاصی باشد. با این حال ایران توانسته است میزان جریان صادراتی نفت خود را حفظ کند.

با وجود تبلیغات آمریکایی ها درباره توقف کامل تجارت دریایی با ایران، نفتکش های ایرانی با استفاده از تاکتیک های هوشمندانه مانند خاموش کردن دستگاه های ردیابی و بهره گیری از خلأ های نظارتی ماهواره ای، همچنان زنجیره صادرات نفت خود را حفظ کرده و برگ برنده تنگه هرمز را از دست نداده اند.

همزمان با افزایش قیمت‌ها؛

وعده افزایش اعتبار کالا برگ در انتظار تصمیم دولت

مبلغ کالا برگ متناسب با تورم و به صورت فصلی افزایش یابد. اکنون در شرایطی که قیمت مواد غذایی در ماه‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته، خانوارها در انتظار تصمیم جدید دولت هستند.

با گذشت بیش از چهار ماه از اجرای طرح کالا برگ الکترونیک، هنوز تکلیف مرحله جدید این طرح و میزان اعتبار آن مشخص نشده است؛ این در حالی است که بر اساس وعده‌های دولت، قرار بود



نیماسوهیلی

روزنامه نگار

طرح کالا برگ الکترونیک از نیمه دی ماه سال گذشته و همزمان با حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی اجرایی شد. دولت چهاردهم که از ابتدای فعالیت خود به دنبال اجرای سیاست ارز تک‌نرخ بود، در نیمه دی ماه ۱۴۰۴ این تصمیم را عملیاتی کرد که سبب افزایش شدید قیمت کالاها شد.

بر اساس تصمیم دولت، ارز ترجیحی برای واردات کالاها ی اساسی حذف شد و نرخ آن اکنون به بالای ۱۴۰ هزار تومان رسیده است. در مقابل، دولت برای جبران کاهش قدرت خرید خانوارها، به هریارانی ساکن کشور ماهانه یک میلیون تومان اعتبار خرید کالاها ی اساسی در قالب کالا برگ اختصاص داد. این اعتبار برای چهار ماه دی، بهمن و اسفند ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵ در حساب سرپرستان خانوار شارژ شد و همراه بر اساس زمان بندی اعلامی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قابل استفاده بود. اعتبار کالا برگ فروردین ماه نیز تا پایان اردیبهشت ماه معتبر است. با این حال، در حالی که اکنون در سومین اردیبهشت قرار داریم، هنوز جزئیات مرحله جدید این طرح اعلام نشده است.

گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که فشار تورمی بر کالاها ی اساسی در دوره اجرای این طرح قابل توجه بوده است. بر اساس اعلام بانک مرکزی، شاخص قیمت مواد خوراکی و آشامیدنی در اسفند ۱۴۰۴ نسبت به آذر همان سال (پیش از اجرای طرح) ۳۳ درصد افزایش یافته است؛ به بیان دیگر، مواد غذایی در سه ماه نخست اجرای کالا برگ با رشد ۳۳ درصدی قیمت مواجه شده‌اند. البته آمارهای فروردین ماه هنوز منتشر نشده است.

وعده افزایش اعتبار؛ در انتظار اجرا

دولت پیش از این بارها تأکید کرده بود که در صورت افزایش قیمت ارز و کالاها ی اساسی، مبلغ کالا برگ نیز متناسب با آن افزایش خواهد یافت. حتی اعلام شده

بود که این اعتبار به صورت فصلی مورد بازبینی قرار می‌گیرد تا قدرت خرید خانوارها حفظ شود. با این حال قیمت ارز رسمی در آغاز اجرای این طرح در محدوده ۱۲۲ هزار تومان بود که امروز حدود ۱۴۰ هزار و ۵۰۰ تومان است.

شرط افزایش مبلغ کالا برگ

در همین زمینه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هفته گذشته اعلام کرد که طرح کالا برگ الکترونیک با قوت ادامه خواهد یافت. با این حال، ایمان زنگنه، سخنگوی معاونت رفاه و امور اقتصادی این وزارتخانه، با تأکید بر پیش بینی منابع مالی لازم برای اجرای این طرح در بودجه امسال، گفت: افزایش اعتبار کالا برگ مشروط به تغییرات قیمت کالاهاست.

همزمان، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، نیز با تأیید افزایش قیمت‌ها در سه ماه گذشته گفت: بخشی از این افزایش‌ها به دلیل شرایط اخیر و حملات صورت گرفته قابل پیش بینی بوده است. او با وجود تأکید بر وفور کالا، اذعان کرد که در برخی موارد افزایش قیمت رخ داده و بخشی از آن به شرایط جنگی و فشارهای ناشی از آن بازمی‌گردد. وی درباره افزایش مبلغ کالا برگ نیز اعلام کرد که این موضوع در حال بررسی است و پس از جمع بندی کارشناسی، اطلاع رسانی خواهد شد؛ هرچند زمان مشخصی برای آن اعلام نشده است.

افزایش اعتبار کالا برگ‌ها بررسی می‌شود؟

در همین حال، احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، از بررسی پیشنهاد افزایش اعتبار کالا برگ خبر داده و اعلام کرده است که این پیشنهاد به دولت ارائه شده و قرار است تا ۱۵ اردیبهشت ماه درباره اجرای مرحله جدید تصمیم‌گیری شود.

میدری درباره وضعیت حمایت‌های معیشتی گفت: طبق آیین نامه مصوب و دستور رئیس جمهور، مقرر شده است مبلغ یارانه و حمایت معیشتی با توجه به تغییرات نرخ ارز افزایش یابد. او با اشاره به سیاست دولت برای حمایت از معیشت خانوارها افزود:

افزایش اعتبار کالا برگ بر اساس مصوبه و آیین نامه مربوطه در حال بررسی است. رئیس جمهور نیز دستور داده است با توجه به تغییرات نرخ ارز، مبلغ این حمایت مورد بازنگری قرار گیرد. به گفته میدری، مجلس نیز با تأکید بر تأمین حداقل نیاز غذایی مردم، از سیاست‌هایی حمایت می‌کند که دسترسی خانوارها به سبزی معادل حدود ۲۱۰۰ کالری در روز را تضمین کند. وی با اشاره به تغییرات قابل توجه قیمت کالاها در شهرهای مختلف کشور اعلام کرد که بر اساس داده‌های بانک مرکزی، خریدهای مردم در روزهای اخیر به طور میانگین ۱۹ درصد کاهش یافته و این کاهش در برخی استان‌ها بیشتر بوده است. موضوعی که می‌تواند نشانه‌ای از افت قدرت خرید خانوارها باشد.

مردم منتظر اجرای وعده دولت هستند

علیرضا سلیمی، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، در این مورد به نوبت یاد گفت: حفظ و بهبود معیشت مردم برای مجلس اهمیت بسیاری دارد. او افزود: منابع کالا برگ در قانون بودجه ۱۴۰۵ پیش بینی شده است. وی ادامه داد: هزینه‌های دولت به دلیل شرایط جنگی و نیاز به بازسازی‌ها افزایش پیدا کرده، اما در مقابل، با توجه به افزایش قیمت نفت، درآمدهای نفتی کشور نیز رشد بسیار مطلوبی داشته است. این نماینده مجلس با اشاره به اعلام دولت برای افزایش مبلغ کالا برگ گفت: دولت به مردم قول داده بود در صورت افزایش قیمت کالاها، میزان پرداختی در قالب کالا برگ را نیز افزایش دهد. دولت باید به وعده خود عمل کند و امیدواریم پس از انجام بررسی‌های لازم، هرچه سریع‌تر این افزایش را عملیاتی و اجرا کنند.

با این حال، وعده دولت در دی ماه سال گذشته این بود که هر سه ماه یک بار، مبلغ کالا برگ به اندازه تورم افزایش یابد. اکنون در حالی وارد پنجمین ماه اجرای طرح کالا برگ شده‌ایم که قیمت برخی اقلام مشمول این طرح، نسبت به دی ماه تغییراتی داشته است؛ بنابراین، افزایش مبلغ کالا برگ متناسب با این گرانی‌ها ضروری است.

مهم‌ترین چالش‌های اجرای کالا برگ

حمید حاج اسماعیلی، کارشناس مسائل اقتصادی؛ طرح

کالا برگ که از دی ماه سال گذشته آغاز شد و همه جمعیت کشور را تحت پوشش قرار داد، به وضوح نشان داد که یک سازوکار

حمایتی موفق می‌تواند به رضایت عمومی منجر شود و یکی از مؤثرترین اقدامات دولت در

مقابله با تورم باشد. یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجرای

کالا برگ، کنترل قیمت کالاهاست. با آغاز

سال جدید و افزایش نرخ تورم و هزینه‌های تولید، قیمت کالاها

نیز رشد کرده است. به همین دلیل بازنگری در اعتبار کالا برگ یا

تقویت سازوکارهای نظارت بر قیمت‌ها را ضروری است و در

چنین وضعیتی، دولت یا باید منابع اعتباری کالا برگ را افزایش

دهد.

گزارش کوتاه

بازار نفت یک قدم تا فاجعه

اکنون میسرت در تازه‌ترین گزارش خود نوشت: بازارهای جهانی انرژی در شرایطی بی‌سابقه قرار گرفته‌اند و دامنه سناریوهای پیش‌رو از «وخیم» تا «فاجعه‌بار» گسترده شده است. بیش از ۵۰ روز پس از آغاز جنگ میان ایران و آمریکا، اثرات مستقیم این تنش‌ها بر قیمت نفت، ذخایر جهانی و فعالیت پالایشگاه‌ها در آسیا و اروپا آشکار شده است؛ به طوری که تحلیلگران هشدار می‌دهند جهان ممکن است به لبه پرتگاه انرژی نزدیک شود.

در این مدت، جهان حدود ۵۵۰ میلیون بشکه نفت خام خلیج فارس را از دست داده است؛ رقمی معادل نزدیک به ۲ درصد تولید کل جهان در سال گذشته. بسته شدن تنگه هرمز، مسیر حیاتی انتقال نفت، موجب شده است ماهانه حدود ۷ میلیون تن گاز طبیعی مایع از چرخه عرضه حذف شود؛ معادل ۲ درصد عرضه سالانه این سوخت. با این حال، در کشورهای غربی که بزرگ‌ترین بازارهای آتی را در اختیار دارند، فشار هنوز محدود به نظر می‌رسد: بنزین تنها اندکی گران‌تر شده، اما خانوارها و صنایع همچنان توان مصرف دارند و ذخایر سوخت در سطح پیش از جنگ باقی مانده است. با این وجود، این آرامش نسبی می‌تواند گمراه‌کننده باشد. تا ۲۰ آوریل، آخرین نفتکش‌هایی که پیش از جنگ از هرمز عبور کرده بودند، به مقصدهای خود در مالزی و کالیفرنیا رسیده‌اند؛ به این معنی که دیگر حاشیه امنی برای جبران شوک عرضه وجود ندارد. با آغاز فصل سفرهای تعطیلاتی و افزایش تقاضا، فشار بر بازار جهانی شدت یافته است.

سه عامل اصلی بازار جهانی انرژی را در آستانه بحران قرار داده‌اند: نخست، کاهش سریع محموله‌های آماده خرید؛ دوم، افت تولید سوخت در پالایشگاه‌ها به دلیل کمبود مواد اولیه و افزایش قیمت نفت خام؛ و سوم، تداوم تقاضای مصنوعی بالا، به ویژه در اروپا. برای بازگشت بازار به تعادل، یک عقب‌نشینی جدی در بخش تولید یا مصرف ضروری به نظر می‌رسد. در عرصه تجارت نیز، حجم بالای نفت در حال حمل روی آب که پیش از آغاز جنگ موجب آرامش نسبی بازار شده بود، اکنون رو به پایان است. نفت ایران و روسیه که پیش‌تر در دریا معطل مانده و پس از کاهش تحریم‌ها فروخته شده بودند، اینک تقریباً تمام شده‌اند. حجم نفت روی آب با سرعتی بی‌سابقه کاهش یافته است و در حوزه سوخت هواپیما و بنزین، این حجم حتی بسیار کمتر از میانگین تاریخی بوده و به حداقل لازم برای تجارت دریایی نزدیک شده است.

حتی اگر تنگه هرمز فوراً باز شود، بازگرداندن تولید نفت خلیج فارس، حمل و نقل دریایی و فعالیت پالایشگاه‌ها به ظرفیت کامل، ماه‌ها زمان خواهد برد. از دست رفتن تجمعی ۱.۵ میلیارد بشکه نفت (معادل ۵ درصد تولید سالانه جهان) تقریباً اجتناب‌ناپذیر شده است؛ و اگر بسته شدن هرمز ادامه یابد، این رقم به راحتی می‌تواند دو برابر شود. اکنون زمان برای جلوگیری از تکرار چنین سقوطی به سرعت رو به پایان است و تحلیلگران هشدار می‌دهند جهان با یک بحران گسترده انرژی و اثرات اقتصادی جدی روبه‌روست. محدودیت عرضه، کاهش ظرفیت پالایش، فشار بر ذخایر و نوسانات قیمت همگی نشان می‌دهد که اقدامات فوری و هماهنگی بین‌المللی برای بازگرداندن ثبات به بازار جهانی انرژی ضروری است.

بین الملل

پنتاگون: ایران قدرت نظامی کلیدی خود را حفظ کرده است

ارزیابی جدید شاخه اطلاعاتی پنتاگون نشان می‌دهد که ایران همچنان «قابلیت‌های نظامی کلیدی» خود را حفظ کرده است و این با ادعاهای قبلی مقامات ارشد آمریکایی به‌ویژه دونالد ترامپ مبنی بر تضعیف قابل توجه نیروهای مسلح ایران در تضاد است. این یافته‌ها اظهارات دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده و پیت هگست، وزیر جنگ او را که گفته بودند نیروهای مسلح ایران طی جنگ آمریکایی - صهیونیستی که از نهم اسفند شروع شد، متحمل خسارات جبران‌ناپذیری شده است، به چالش می‌کشد. به نقل از شبکه خبری ان.بی.سی، ارزیابی اطلاعاتی نشان می‌دهد که ایران همچنان یک «قدرت منطقه‌ای قدرتمند» است و ادعاهایی مبنی بر اینکه «نیروی هوایی و نیروی دریایی آن نابود شده است» را زیر سؤال می‌برد. این تحول حتی با وجود اینکه تنش‌ها در خاورمیانه همچنان بالاست، آتش‌بس به طور یک‌جانبه از سوی آمریکا تمدید شد و محاصره ادامه دارد، همچنین نشان‌دهنده شکاف فزاینده‌ای بین پیام‌های عمومی دولت واشنگتن و ارزیابی‌های اطلاعاتی داخلی است. این گزارش اطلاعاتی در حالی منتشر می‌شود که ترامپ ساعاتی قبل از انقضای آتش‌بس با ایران، به درخواست پاکستان، تمدید این وضعیت را اعلام کرد و در پیامی در تروث سوشال نوشته، از ایالات متحده «خواسته شده است که حمله خود به ایران را تا زمانی که رهبران و نمایندگان آنها بتوانند پیشنهادی یکپارچه ارائه دهند، متوقف کنیم.» وی همچنین افزود که به ارتش آمریکا دستور داده است به محاصره غیرقانونی خود علیه بنادر ایرانی ادامه دهد؛ ایران اقدام آمریکا را در تداوم محاصره دریایی رد کرده و نسبت به تشدید تنش هشدار داده است.



سیاسیون آمریکایی ترامپ را به دلیل شکست در جنگ با ایران سرزنش می‌کنند

ایران پاشنه آشیل سیاست آمریکا



در حالی که سیاست‌های ماجراجویانه واشنگتن در قبال ایران روبه‌روز هزینه‌های سنگین‌تری بر دوش آمریکا می‌گذارد، شکاف عمیق در میان مقامات این کشور از تدریج‌ترین چهره‌ها تا دیپلمات‌های غربی و رقبای انتخاباتی، بیش از هر زمان دیگری عیان شده است؛ شکافی که از اعتراف به بن‌بست راهبردی، ناکارآمدی گزینه نظامی و ناتوانی در یافتن راه خروج از بحران حکایت دارد.

هرگونه درگیری نظامی مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران را «جنگی غیرضروری» توصیف کرده و آن را تلاشی ضعیف برای انحراف افکار عمومی از مسائل داخلی از جمله پرونده‌های جنجالی دانسته است. وی با تأکید بر مخالفت قاطع خود، تصریح می‌کند که مردم آمریکا تمایلی ندارند فرزندانشان درگیر جنگی انتخابی و غیرمجاز شوند.

در ادامه این موج انتقادات، الیزابت وارن، سناتور آمریکایی، نیز با لحنی صریح وضعیت کنونی را نشانه‌ای از سردرگمی راهبردی کاخ سفید توصیف کرده و گفته است: «ما اکنون هیچ جدول زمانی برای آتش‌بس، هیچ جدول زمانی محاصره و صادقانه هیچ جدول زمانی برای جنگ نداریم. دونالد ترامپ خود را در گوشه‌ای گیرانداخته و نمی‌تواند راه خروجی از جنگ پیدا کند.»

این مجموعه اظهارات، تصویری روشن از بن‌بست راهبردی آمریکا در قبال ایران ارائه می‌دهد. جنگی که نه تنها دستاوردی برای واشنگتن نداشته، بلکه هزینه‌های سنگینی نیز به همراه آورده است؛ از خدشه دار شدن ابهت پوشالی این کشور در عرصه جهانی گرفته تا آسیب‌پذیر شدن پایگاه‌های نظامی آن و تشدید شکاف با متحدان اروپایی. اکنون بیش از هر زمان دیگری، حتی در داخل ساختار سیاسی آمریکا نیز ازمین واقعیت پذیرفته شده است که ادامه این مسیر، چیزی جز فرسایش بیشتر قدرت و اعتبار این کشور در پی نخواهد داشت.

تصریح کرد که رئیس جمهور پیشین آمریکا میان دو نگرانی اساسی گرفتار شده است: از یک سو بیم آن دارد که عدم دستیابی به توافق، وضعیت نامطلوب کنونی را ادامه‌دار کند و از سوی دیگر نگران است که توافقی ضعیف، او را در جایگاهی مشابه اوپاما قرار دهد. بولتون با اشاره به روحیه کلی ترامپ می‌گوید که او نهایتاً به دنبال راهی برای خروج خواهد بود، حتی اگر این راه حل رضایت‌بخش نباشد و صرفاً با اعلام یک «پیروزی» ظاهری همراه شود.

در سوی دیگر، موگرینی، مسئول پیشین سیاست خارجی اتحادیه اروپا، نیز به صراحت عملکرد آمریکا را زیر سؤال برده و تأکید کرده است که توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ به‌طور کامل اجرا شده و تعهدات ایران نیز مورد راستی‌آزمایی قرار گرفته بود، اما این دولت آمریکا بود که آن را نقض کرد. به گفته او، وضعیت کنونی چیزی جز یک «مشکل خودساخته» نیست و اساساً چنین بحرانی نباید شکل می‌گرفت. این موضع‌گیری‌ها نشان‌دهنده فاصله‌گیری اروپا از سیاست‌های یک‌جانبه آمریکا و نارضایتی از هزینه‌هایی است که این رویکرد بر متحدان واشنگتن تحمیل کرده است. همچنین کاملاً هریس، کاندید انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و رقیب ترامپ، در اظهاراتی کم‌سابقه،

احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

جنگ‌های پرهزینه و بی‌حاصل میان آمریکا و ایران همچنان در کانون توجه قرار دارد. شکاف و اختلاف نظر در میان سیاستمداران آمریکایی به‌طور فزاینده‌ای آشکار شده است؛ اختلافی که از چهره‌های تدریج‌گرای دیپلمات‌های غربی و حتی مقامات ارشد داخلی این کشور را در برمی‌گیرد و همگی، هریک به نحوی، به ناکارآمدی و بی‌نتیجه بودن این مسیر اذعان دارند.

جان بولتون، مشاور امنیت ملی پیشین آمریکا که خود از حامیان سیاست‌های سخت‌گیرانه علیه ایران به‌شمار می‌رفت و همچنین از تدریج‌ترین افراد کاخ سفید به‌شمار می‌رود، در اظهاراتی قابل توجه تأکید کرده است که ترامپ به‌شدت به دنبال خروج از وضعیت تقابل با ایران است. وی

رسوایی ترامپ

اظهارات مقامات آمریکایی تصویری روشن از بن‌بست راهبردی آمریکا در قبال ایران ارائه می‌دهد. جنگی که نه تنها دستاوردی برای واشنگتن نداشته، بلکه هزینه‌های سنگینی نیز به همراه آورده است؛ از خدشه دار شدن ابهت پوشالی این کشور در عرصه جهانی گرفته تا آسیب‌پذیر شدن پایگاه‌های نظامی آن و تشدید شکاف با متحدان اروپایی.

یادداشت

چرخش اجباری ترامپ به سوی مذاکره

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

کاهش محسوس محبوبیت دونالد ترامپ در ماه‌های اخیر ریشه در سیاست‌های پرهزینه و اشتباه ترامپ به علیت سیاست‌های صهیونیسم یهودی یا هزینه دادن برای رژیم صهیونیستی بدون هیچ دستاوردی است، نهفته است. یکی از عوامل، افزایش تلفات نظامیان آمریکایی در درگیری‌هایی است که افکار عمومی آمریکا آن‌ها را «جنگ‌های نیابتی برای اسرائیل» تلقی می‌کند. این مسئله به‌ویژه در میان خانواده‌های نظامیان و طبقه متوسط، نارضایتی گسترده‌ای ایجاد کرده و این پرسش را پررنگ‌تر ساخته که چرا باید هزینه‌های انسانی و مالی چنین درگیری‌هایی از جیب مردم آمریکا پرداخت شود و به نفع اسرائیل تمام شود.

از سوی دیگر، اقتصاد آمریکا نیز با بسته شدن تنگه هرمز با فشارهای تورمی قابل توجهی روبه‌رو شده است. افزایش هزینه‌های نظامی، ارسال کمک‌های مالی و تسلیحاتی به متحدان، و بی‌ثباتی در بازار انرژی، همگی به تشدید تورم دامن زده‌اند. در چنین شرایطی، شهروند آمریکایی که با افزایش قیمت‌ها در زندگی روبه‌روست و پنجه نرم می‌کند، به سختی می‌تواند سیاست‌های خارجی پرهزینه را توجیه کند. این ترکیب از فشار اقتصادی و نارضایتی اجتماعی، پایگاه رأی ترامپ را تضعیف کرده است.

در این میان، برخی تحلیل‌ها هشدار می‌دهند که اگر ترامپ به دنبال آغاز مجدد جنگی علیه ایران باشد، با واقعیت‌های کاملاً متفاوتی نسبت به گذشته مواجه خواهد شد. تجربه درگیری‌های اخیر نشان داده که حتی جنگی محدود نیز می‌تواند هزینه‌های سنگین نظامی و اقتصادی به دنبال داشته باشد.

ایران در موقعیتی قرار دارد که اهرم‌های متعددی برای اعمال فشار در اختیار دارد. علاوه بر تنگه هرمز، مسیرهای حیاتی دیگری همچون باب‌المنندب نیز در معادلات منطقه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. بسته شدن یا حتی ناامن شدن این گذرگاه‌ها می‌تواند شوک‌های جدی به اقتصاد جهانی وارد کند و هزینه‌های جنگ را برای آمریکا و متحدانش به‌شدت افزایش دهد.

نکته مهم‌تر آن است که ایران بارها نشان داده در محاسبات راهبردی خود، صرفاً به دفاع منفعلانه اکتفا نمی‌کند. اگر جنگی علیه ایران آغاز شود، پاسخ‌ها می‌تواند به‌گونه‌ای طراحی شود که نه تنها هزینه‌های نظامی، بلکه هزینه‌های سیاسی و حیثیتی سنگینی برای تصمیم‌گیران آمریکایی به همراه داشته باشد. به عبارت دیگر، همان «هزینه فرصتی» که آمریکا برای ورود به جنگ در نظر می‌گیرد، ممکن است به عاملی برای عقب‌نشینی و پذیرش شکست تبدیل شود.

در همین چارچوب، تحولات اخیر ترامپ برای طرح موضوع مذاکره را نمی‌توان بی‌ارتباط با این واقعیت‌ها دانست. وقتی گزینه نظامی با ریسک‌های بالا و هزینه‌های غیرقابل پیش‌بینی همراه باشد، چرخش به سمت مذاکره بیش از آن که نشانه قدرت باشد، می‌تواند نشانه محدود شدن گزینه‌ها تلقی شود. این تغییر رویکرد، بازتابی از درک جدیدی است که در میان بخشی از نخبگان آمریکایی شکل گرفته؛ ادامه مسیر تقابل، پردردسرت‌ر و پرهزینه‌تر خواهد بود.

آیا ایران هدف جنگ نامرئی آب‌وهوایی است؟

رمز و راز بارندگی‌های پس از جنگ

بارش‌های ناگهانی و گسترده پس از جنگ تحمیلی سوم، نه تنها معادلات اقلیمی ایران را برهم زد، بلکه پرسش‌های جدی درباره ماهیت

خشکسالی‌های چندساله اخیر ایجاد کرد؛ آیا این تغییرات، صرفاً یک نوسان طبیعی است یا نشانه‌ای از یک مداخله هدفمند در آسمان ایران؟



محسن فرمند

روزنامه‌نگار

تحولات اقلیمی ماه‌های اخیر، به‌ویژه بارش‌های غیرمنتظره و افزایش قابل توجه ورودی برخی سدها، بیش از آنکه یک «رخداد طبیعی» تلقی شود، به یک معمای پیچیده امنیتی-اقلیمی تبدیل شده است. این تغییرات دقیقاً پس از جنگ تحمیلی سوم و هدف قرار گرفتن برخی تأسیسات راداری دشمن در کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس شدت گرفت؛ موضوعی که گمانه‌دستکاری اقلیم ایران توسط دشمن را بیش از هر زمان دیگری تقویت کرده است. در همین چارچوب، برخی تحلیل‌گران غربی نیز به این مسئله دامن زده‌اند. مایک آدامز، نویسنده و تحلیل‌گر آمریکایی، صراحتاً مدعی شده است که ایالات متحده با اجرای «جنگ کنترل آب‌وهوا» تلاش داشته خشکسالی طولانی‌مدتی را به ایران تحمیل کند؛ پروژه‌ای که به گفته او، با تخریب برخی تأسیسات راداری، دچار اختلال شده و بارش‌ها به کشور بازگشته‌اند. در تکمیل این ادعا، ری یوسف نیز با اشاره به پیمان جنگ آب‌وهوا در سال ۱۹۷۷، تأکید کرده که چنین ابزارهایی سال‌هاست در اختیار قدرت‌های بزرگ قرار دارد. اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود. در

همین راستا نوبنیاد در گفت‌وگو با یکی از کارشناسان این حوزه، ابعاد فنی و پیچیده‌تری از این پدیده را بررسی کرده است. به گفته این کارشناس، مطالعات مبتنی بر هوش مصنوعی نشان داده که چندین «گره‌هوابی» در ایران شکل گرفته که نقش دفع‌کننده ابرها را ایفا می‌کنند. این گره‌ها، که به‌طور میانگین حدود ۱۵ مورد برآورد شده‌اند، می‌توانند نتیجه یک فرآیند مهندسی شده باشند. وی افزود: نکته قابل توجه، وجود سیگنال‌هایی است که از مرزهای شمال غربی و جنوب غربی کشور به داخل ارسال شده‌اند. این سیگنال‌ها نه از نوع شنودی هستند، نه اختلال‌گرونده حتی راهبری؛ بلکه در دسته‌ای ناشناخته قرار می‌گیرند که به گفته برخی گزارش‌ها، می‌توانند ماهیت «اقلیمی» داشته باشند. این کارشناس خاطر نشان کرد: این سیگنال‌ها، در صورت صحت، می‌توانند عامل اصلی جابه‌جایی بارش‌ها از ایران به کشورهای مانند ترکیه، عربستان و حتی امارات باشند؛ پدیده‌ای که در سال‌های اخیر به‌وضوح مشاهده شده است. وی تصریح کرد: از سوی دیگر، این فرضیه نیز مطرح است که برخی رادارهای هدف قرار گرفته، اگرچه ظاهراً کارکرد اقلیمی نداشته‌اند، اما ممکن است در

قالب یک شبکه به‌هم‌پیوسته عمل کرده و تخریب بخشی از آن‌ها، کل سامانه را دچار اختلال کرده باشد. این فناوری‌ها لزوماً در قالب سامانه‌هایی مانند هارپ تعریف نمی‌شوند و احتمالاً با نسل جدیدی از ابزارهای ناشناخته مواجه هستیم. از سوی دیگر، تحلیل چرخه‌های طبیعی خشکسالی و ترسالی نیز این فرضیه را تقویت می‌کند. تغییر ناگهانی از چند سال خشکسالی شدید به بارش‌های سنگین، آن‌هم در بازه‌ای کوتاه، با الگوهای شناخته‌شده اقلیمی همخوانی ندارد. همین مسئله، فرضیه «مهندسی اقلیم» را از یک گمانه صرف، به یک احتمال قابل بررسی تبدیل کرده است. با این حال گرچه برخی این تغییرات را ناشی از نوسانات طبیعی جهانی می‌دانند، اما منتقدان، این تحلیل‌ها را فاقد قدرت پیش‌بینی و صرفاً توجیهی پسینی تلقی می‌کنند. آنچه مسلم است، تغییر ناگهانی و سریع در الگوی اقلیمی ایران یک واقعیت غیرقابل انکار از احتمال زیاد دستکاری و جنگ آب‌وهوایی است که به واسطه حملات ایران تا حدودی خنثی شده است. شاید گذشت بیشتر زمان این مساله را به خوبی نشان دهد که یک جنگ نامرئی علیه وضعیت اقلیمی ایران در جریان بوده است که مقاومت ایرانیان در جنگ اخیر ضربه کاری به آن وارد کرده است.

سیگنال‌هایی که ابرها را می‌رانند

بررسی داده‌های اقلیمی و تحلیل‌های فنی نشان می‌دهد که الگوی حرکت ابرها در سال‌های اخیر، به‌طور غیرطبیعی از مرزهای ایران عبور کرده و به کشورهای همسایه منتقل شده است؛ پدیده‌ای که برخی آن را نتیجه ارسال سیگنال‌های ناشناخته با ماهیت اقلیمی می‌دانند، سیگنال‌هایی که به‌گفته کارشناسان، می‌توانند رفتار ابرها را تغییر داده و بارش را از یک منطقه به هدایت کنند.

یادداشت

تمدید آتش‌بس

یا بازطراحی میدان تقابل؟

امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

چرخش ناگهانی دونالد ترامپ در واپسین ساعات آتش‌بس از تهدید به عدم تمدید و فشار برای کشاندن ایران به اسلام‌آباد، تا اعلام تمدید آتش‌بس علامت شکست دشمن در یک مرحله از جنگ اراده‌هاست. کسی که تا چند ساعت قبل از «فشار حداکثری برای تسلیم» سخن می‌گفت، ناگهان از «تداوم آتش‌بس» حرف می‌زند؛ این تغییر، بیش از آنکه از صلح‌طلبی حکایت کند، از درک یک واقعیت می‌آید: ایران، زمین بازی روانی واشنگتن را به رسمیت شناخت. اولین پیام این عقب‌نشینی، فروپاشی یک سناریوی کلاسیک است؛ سناریویی که بر پایه فشار، ارعاب و کشاندن طرف مقابل به میز مذاکره در موقعیت ضعف بنا شده بود. امتناع یکپارچه مسئولان نظام از حضور در اسلام‌آباد، اعلام این واقعیت بود که «دیپلماسی در سایه تهدید» اساسی معناست. ترامپ، که به تشدید تنش برای کسب امتیاز عادت دارد، این بار با دیواری از انسجام مواجه شد و ناچار، گام به عقب گذاشت. اما این همه ماجرا نیست. تجربه چهار روز درگیری، برای رئیس‌جمهوری که با محاسبه سود و زیان حرکت می‌کند، یک درس پرهزینه داشت: ادامه جنگ، نه تنها ماشین نظامی آمریکایا را به شدت فرسوده می‌کند، بلکه سرمایه سیاسی او را نیز به تحلیل می‌برد. در شرایطی که موقعیت داخلی اش آسیب دیده، ورود به یک جنگ فرسایشی، بیش از آنکه دستاوردی داشته باشد، هزینه‌ساز است.

در همین نقطه است که ضلع سوم طراحی (آنچه می‌توان «خشم اقتصادی» نامید) فعال می‌شود. بازتولید الگوی محاصره دریایی، این بار علیه ایران، تلاشی است برای انتقال میدان نبرد از عرصه نظامی به معیشت مردم. الگویی که پیش‌تر در ونزوئلا آزموده شد و اکنون با هدف ایجاد قحطی مصنوعی و فشار بر غیرنظامیان، در قبال ایران دنبال می‌شود. با این حال، قیاس ایران با ونزوئلا، خطای راهبردی است. ایران با شبکه‌ای از مرزهای زمینی و دریایی در شمال، دسترسی‌های متنوعی برای تأمین نیازهای خود دارد و چهار دهه تحریم، اقتصادی با ظرفیت‌های درونی و نتایج‌آوری بالا ایجاد کرده است. افزون بر این، ناوگان پنهان و الگوهای پیچیده فروش نفت، امکان دور زدن محاصره را در شدیدترین شرایط فراهم می‌سازد. در سوی دیگر، ابزارهای متقابل نیز بی‌اثر نیستند. گلوگاه‌هایی چون باب‌المندب، یا داور این واقعیت‌اند که فشار یک طرفه بر ایران، می‌تواند به بحران گسترده‌تر در اقتصاد جهانی بینجامد.

با این حال، خطر اصلی در جای دیگری نهفته است: تلاش برای کشاندن وضعیت به «منطقه خاکستری». جایی میان جنگ و صلح، که در آن تنش دائمی حفظ می‌شود، اما پاسخ جنگی محدود می‌گردد. این سناریو، دست طرف مقابل را برای اقدامات پراکنده—از جمله به‌کشتی‌ها تا توقیف‌های هدفمند باز می‌گذارد، بی‌آنکه هزینه یک جنگ رسمی را بپردازد پاسخ به این وضعیت، نه افتادن در دام آتش‌بس‌های معلق، بلکه بازتعریف قواعد بازی است. دستگاه دیپلماسی باید این پروژه خطرناک را به عنوان الگویی تهدیدکننده برای امنیت جهانی افشا کند؛ الگویی که دیروز ونزوئلا، امروز ایران و فردا کوبا و دیگر کشورها را نشاناه رفته. در این میان، نقش ابرقدرت‌ها تعیین‌کننده است. اگر کشورهایی چون چین در برابر این روند منفعل بمانند، باید منتظر باشند که همین ابزار، دیر یا زود علیه منافع خودشان نیز به کار گرفته شود. اگر این روند مهار نشود، نه فقط یک کشور، بلکه اصل امنیت دریاوردی به گروگان گرفته خواهد شد. اینجا، نقطه‌ای است که تردید جایز نیست؛ یا باید قواعد را تثبیت کرد، یا باید آماده جهانی بود که در آن، قدرت، جای قانون را گرفته است.

سیاست خارجی

معارفو: ایران از جنگ منسجم‌تر و مستحکم‌تر بیرون آمد

روزنامه عبری «معارفو» نوشت: «پس از هفته‌ها نبرد و چند روز عدم درگیری، اکنون می‌توانیم ویژگی‌های کلی نتایج موقت را ترسیم کنیم. ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران از قدرت نظامی عظیمی استفاده کردند که در برخی بخش‌ها دقیق و در بخش‌های دیگر ویرانگر بود؛ با این حال، هدف بلندپروازانه‌ای که در ابتدای راه تعیین شده بود، محقق نشد.» «معارفو» افزود: اگرچه ایران از نظر نظامی آسیب دید، اما از نظر سیاسی منسجم‌تر و مستحکم‌تر از قبل درآمد. در مقابل، تهران با اختلال در جریان انرژی در تنگه هرمز، موفق شد اقتصاد جهانی را تحت فشار قرار دهد. این روزنامه اشاره کرد در حالی که امید در واشنگتن و قدس اشغالی بر این بود که این نبرد پایه‌های نظام را متزلزل کرده و منجر به تغییر آن شود، نتایج میدانی تصویری کاملاً متفاوت را نشان داد: رهبری در تهران متحدتر شد، سپاه پاسداران کنترل خود را تشدید کرد و ایران از این دور از نبرد اگرچه از نظر نظامی آسیب دیده، اما از نظر سیاسی مستحکم‌تر و مقاوم‌تر خارج شد.» این روزنامه تأکید کرد که «نبرد تنها در آسمان ایران رخ نداد، بلکه از طریق تنگه هرمز نیز عبور کرد. در آنجا، ایران موفق شد – و شاید برای خودش ثابت کند – که تاکتیک فشاری که سال‌هاست درباره آن صحبت می‌کند، واقعاً مؤثر است. نه از طریق شتاب در ساخت بمب اتمی، بلکه از طریق اختلال در مهم‌ترین مسیر انرژی جهان.»

MAARIV

یادداشت

فکری به حال نزار اکران کنید

ایمان عظیمی
منتقد سینما

سینمای ایران پیش شروع جنگ رمضان از وضعیت خوبی برخوردار نبود. همین مسئله باعث شد تا تعدادی از سینماداران و بازوی پخش حوزه هنری عنوان کنند که اگر شرایط به همین منوال پیش برود مجبور به تعطیلی سالن‌ها و تعدیل نیروی انسانی در این زمینه‌اند. وقوع جنگ تحمیلی سوم اماضربه دیگری بر پیکر نحیف سالن‌داری بود. فروش پائین پرمخاطب‌ترین اثر سینمایی اکران ۱۴۰۵ نیز خود موید این نکته است که برای کشاندن مردم به سینما باید به‌طور ویژه و اوزرآنسی وارد عمل شد.

شاید بگویید که در حال حاضر صحبت از سینما حرف گزافی بیش نیست، اما مگر امنیت شغلی افراد شاغل در این زمینه مانند باقی کارها بی اهمیت است؟ فارغ از این مسئله، امنیت روانی مردم در قبول روایت ایران را هم نباید دست کم گرفت. برای نمونه اگر تجربه ساخت فیلم نیم‌شب فارغ از انتقاداتی که به فیلمنامه آن وارد است را فاکتور بگیریم، نمی‌توانیم میان‌داری‌اش در فقدان ایده و روایت را مدنظر قرار ندهیم و به‌سادگی از کنار آن بگذریم. به همین خاطر است که با وجود افت فاحش فروش در سینماها، فیلمی که در مورد جنگ دوازده‌روزه است حتی بیشتر از گم‌دی فارسی‌ها مخاطب دارد.

اکنون اما سینما باید با روایت میدان مردم را به سالن‌ها بکشد و اهمیت کمتری برای آثار موهنی نظیر «آنتیک» -که اکنون در حال اکران است قائل شود. برای مثال نمایش دوباره آثاری نظیر «کانی مانگا»، «اخراجی‌های ۱»، «برزخی‌ها»، «عملیات کرکوک»، «افق» و حتی «آژانس شیشه‌ای» و «بوی پیراهن یوسف» علی‌رغم پخش از تلویزیون و سرویس‌های آنلاین می‌تواند پای طیف جدی‌ترو حتی آن‌ها که شیفته نوستالژی هستند را به سینما باز کنند.

از سوی دیگر، افزایش روزهای نیم‌بها از یک‌روز به دو یا حتی سه‌روز به‌عنوان رویکردی تشویقی برای مردم می‌تواند به‌خوبی عمل کند. یادمان نرود که ارتش تروریستی آمریکا و سگ زنجیری‌اش اسرائیل در هدف قرار دادن اماکن مختلف هیچ محدودیتی ندارد و پایگاه‌های نظامی، اماکن مسکونی و سینما و مدرسه و بیمارستان را با هم مورد هدف قرار می‌دهد، پس تأمین معاش اهالی هنر هفتم -که لزوماً سلب‌رینی هم نیستند- اهمیت بسزایی دارد.

بدنام و بی‌قانونی در روزگار جنگ

منتشر شده، تکلیف مخاطب با آن روشن است؛ اثری که به‌جای روایت اصیل و صادقانه، در باتلاق سیاه‌نمایی و اغراق دست‌وپا می‌زند. در شرایطی که کشور درگیر بحران و جنگ است و جامعه بیش از هر زمان دیگری به آرامش و همبستگی نیاز دارد، انتشار چنین محتوایی نه تنها کمکی نمی‌کند، بلکه به تشویش و ناامیدی دامن می‌زند.

سریال «بدنام» را اگر بخواهیم دقیق‌تر ببینیم، با پدیده‌ای مواجهیم که نه فقط یک اثر نمایشی، بلکه نشانه‌ای از بی‌سامانی در حوزه رسانه است. کاری که بدون مجوز تولید کلید خورد، بدون مجوز انتشار عرضه شد و حتی پس از توقیف رسمی نیز با دورزدن مسیرهای قانونی، دوباره به چرخه پخش بازگشت. در همین دو قسمتی که از این مجموعه



سعید قاسمی

منتقد سینما

«بدنام» از آن دست آثاری است که فرامتن آن بیش از خود متن اهمیت پیدا کرده است. این اثر، نمونه‌ای عینی از بی‌قانونی در میدان رسانه است. از همان ابتدا، سازندگان نشان دادند که چندان اعتقادی به قواعد بازی ندارند. تولید بدون مجوز، انتشار بدون مجوز و در نهایت بازگشت به پخش پس از توقیف، آن هم با طی مسیری که بیشتر به دور زدن و دهن کجی به قانون شباهت دارد تا حل و فصل قانونی، تصویری نگران‌کننده از وضعیت نظارت در این حوزه ترسیم می‌کند. سارا ترا به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر، قرار است نقش داور را ایفا کند؛ نهادی که باید ضابطه بگذارد، نظارت کند و در صورت تخلف، مانع از انتشار آثار مسئله‌دار شود. اما آنچه در ماجرای «بدنام» رخ داده، عملاً بی‌اعتبار کردن همین جایگاه است.

اما مسئله فقط قانون نیست؛ محتوای «بدنام» نیز به همان اندازه محل ایراد است. در همین دو قسمتی که منتشر شده، به‌وضوح می‌توان دریافت که با چه جهان بینی زشت و پلشتی مواجه هستیم. سریال، با انتخاب یک شخصیت مذهبی به‌عنوان محور فساد، تلاش می‌کند تصویری یک‌دست، تخت و تیره از ساختار اجتماعی ارائه دهد. این نوع روایت، نه تحلیل است و نه آسیب‌شناسی؛ بیشتر شبیه به نوعی اغراق بی‌حساب و کتاب و فضا سازی گل‌درشت است که مخاطب را به‌جای فهم مسئله، درگیر حس بدبینی، دل‌زدگی و تنفر می‌کند.

فضای اثر به شدت تلخ، ملتهب و آزاردهنده است. نه نشانی از امید در آن دیده می‌شود و نه تلاشی برای

که ما پیش از برپایی اسلام هم دارای تمدن بوده‌ایم و این فرایندی نیست که با پیامبر اکرم (ص) آغاز شده باشد. حال ما نیک می‌دانیم که این مسائل دروغی بیش نیست و آل سعود قصد دارد با تاریخ‌سازی گذشته مجهولش را معلوم و حتی بزرگ کند. متأسفانه این روند در باقی کشورهای منطقه هم قابل مشاهده است و آن‌ها نیز هیچ بدشان نمی‌آید که هویت اسلامی خود را منکوب کنند.

عربستان سعودی در اقدامی تازه آنچه از آن به‌عنوان احیای صنعت فیلم یاد کرده، مقدمات اکران فیلم پرهزینه «جنگ‌جوی صحرا» را مهیا کرده است. جزئیات زیادی در باب این فیلم ۱۵۰ میلیون دلاری به بیرون درز نکرده اما یک خطی‌اش می‌گوید که داستان درباره شاهزاده‌ای عرب است که با یک راهزن برای مقابله با امپراتوری بی‌رحم که تمایل دارد شاهزاده خانم صیغه او باشد، همکاری می‌کند. داستان جنگجوی صحرا در به پیش از دوران اسلامی بازمی‌گردد و حامل این نکته به مخاطبان عربی و غربی است



یادداشت

مردم کف خیابان رسانه ندارند

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

بیش از پنجاه روز است که مردم ایران در میدان‌ها و خیابان‌ها ایستاده‌اند؛ ایستاده در نقش ستون‌های اصلی جنگ دفاعی ما. آنها زیر باران، تگرگ و بمباران، در کف میدان حضور داشته‌اند. این حضور گاه -مانند تحصن در محل تاسیسات و زیرساخت‌ها- آنقدر عظیم بوده است که به بیننده احساس حقارت می‌دهد.

حضور که اگرچه در قلاب دوربین‌ها گاه به تصویر کشیده می‌شود، اما عمیق و حقیقت آن کمتر روایت می‌شود. در این جنگ آنچه بیش از موشک‌ها و آرایش نظامی اهمیت داشت، همین ایستادگی خاموش و بی‌ادعای مردمی بود که بی‌هیچ چشم‌داشتی، هزینه‌های جنگ را با جان و زندگی خود پرداخت کردند.

با این حال، هیچ رسانه‌ای را نمی‌توان تریبون واقعی این مردم دانست. هر جریان رسانه‌ای، متناسب با جهت‌گیری و منافع خود، تلاش می‌کند تصویر دلخواهش را از «مردم کف خیابان» بسازد و عرضه کند. گروهی به سراغ زنان بی‌حجاب می‌روند تا روایت فرهنگی و شخصی مطلوب خود را پیش ببرند. گروهی دیگر همین مردم را پشتوانه پروژه‌های سازش معرفی می‌کنند و آن‌ها را حامی بی‌چون و چرای تصمیمات سیاسی معرفی می‌کنند. عده‌ای نیز در میان این جمعیت، به دنبال چهره‌های مشهور می‌گردند تا به زعم خود، به تجمعات مردمی وزن و اعتبار بدهند!

اما واقعیت این است که هیچ‌یک از این روایت‌ها، نماینده حقیقی مردم میدان نیست. مردم نه یک ابزار رسانه‌ای‌اند و نه سوژه‌ای برای پروژه‌های سیاسی و فرهنگی. آنها مستضعفانی هستند که بی‌صدا، همه چیزشان را فدای انقلابشان کرده‌اند. همان‌هایی که فشار اقتصادی جنگ، بیش از همه بر زندگی‌شان سایه انداخته، اما همچنان ایستاده‌اند و به جای غرزدن، به دنبال ایفای نقش و انجام وظیفه خود هستند. مردم قهرمانان بی‌نامی هستند که شاید سهمشان از روایت‌ها اندک باشد، اما حقیقت ایستادگی را آن‌ها معنا می‌کنند: آنها حاضرند خاک بخورند، اما خاک ندهند.

روایت قصه‌های این مردم و به تصویر کشیدن چهره‌های بی‌رتوش‌شان، وظیفه سنگینی بردوش اهالی فرهنگ و رسانه است. مردم به‌عنوان عامل اصلی پیروزی و مقاومت ما در راس‌اند. لازم است اهالی رسانه مستقل از سوگیری‌های سیاسی، با مردم مماس شوند و تریبون این مردم مظلوم مقتدر باشند.

قدم جدید سعودی در پروژه شیک‌سازی